

آسیابان و میراب و چوپان و مکاری و باغداری و مالک و ملا و دکاندار و مأموردولت و غیره آشنا می شویم.

راقم این سطور در اینجا به خود اجازه می دهد اختلاف سلیقه ای را که در پاره ای موارد با نویسنده کتاب دارد بیان کند. بعضی صیغه های افعال به گوش خوشیند نیست مثلاً «می بوده بوده است» یا «بوده بود» نظایر آن قطع نظر از صحت یا عدم صحت دستوری آن از روانی و سلاست کلام تا حدودی می کاهد. یکی از خصایص نوشته های اسلامی و اسلوب ادبی او در اینست که ختی المقدور از بکار بردن لغات و تعبیرات خارجی و دوراز ذهن و مهجور پرهیز می کند ولی جای تأسف است که گاه نویسنده از این شیوه خود عدول می نماید و فی المثل در میان جملاتی بی تکلف و روان که همچو آب زلال است سنگپاره ای نظیر «بوی متغایر و متکامل مزوج شده» پرتاب می شود. من به نویسنده توانای «روزها» می بخشم که برای بیان ظریفترین و باریکترین افکار و اندیشه های خود از هر لغتی که وافی به مقصود باشد مدد بگیرد هر چند که این لغت مهجور باشد ولی بهر صورت تعقید لفظی گاه از فصاحت کلام میکاهد. لغاتی همچون دانه اک و پرتوک ولو از نظر لغوی صحیح باشند بگوش نامانوسند و اگر لفظ مرکبی همچون دانه ریزریز استعمال می شد ضرری نداشت. شاید اگر مرا مخیر می گذاشتند بجای «سبزه های دم زنده»^۱ (که با دم زن بمعنی لب به سخن گشودن اشتباه می شود) مثلاً «سبزه های در حال دمیدن» می نوشتم. با اینهمه این اثر در مجموع آنچنان دلنشین و جالب است که چه بسا در میان جملات ساده و روان آن این جزئیات گم است و خواننده بی توجه از آنها میگذرد.

در پایان باید این نظر شخصی را اضافه کنم که از یار دیرینم اسلامی ندوشن شکر گزرام که در این دوران و انشاء ساعتی چند مرا از این دنیای کریه رهانید و بر روی بالهای زرین رؤیا پروازم داد و از نعمت فراموشی که در این ایام بالاترین نعمت است برخوردارم ساخت.

تراپ کمائی

(رشت)

تاریخ الوزراء

از نجم الدین ابوالرجاء قمی در سال ۵۸۴ ه. ق + به کوش محمدتقی دانش پژوه + تهران - مؤسسه مطالعات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی - ۱۳۶۳.

خدمت دیوانی در عهد سلجوقی از ویژگیهای خاصی برخوردار است؛ برخی از وزرای عصر سلجوقی را، باطنیان با کارد زدند؛ که از ضربت دیدگان، فقط «قوام الدین احمد» نمرد، و بقیه جان سپردند؛ و برخی دیگر مانند «عمیدالملک کندی و تاج الملک و فخرالملک، و مجدالملک قمی و ابوالقاسم درگزینی و.....» به سیاست

همکاران درباری خود، یا امرای سلطانی مقتول شدند. کشته‌شدگان بدست باطنی‌ها نیز، اغلب بر اثر غرض‌ورزی و تحریک باطنی درباریانی بودند که می‌خواستند رقبای خود را از میان بردارند؛ و باطنیه را به‌قتل ایشان وامی‌داشتند، و تحریک و تضریب در میان درباریان آنچنان رایج بود که دست سلاطین سلجوقی کمابیش به‌خون وزرای خود آلوده می‌شده است.

قسمتی از آشفته‌گی‌ها و پریشان‌روزرگاری‌های رجال این عصر، در کتاب «نفثة المصدور فی فتور زمان‌المصدور و صدور زمان‌الفتور» «انوشیروان خالد» آمده است. و به‌نظر «کنت الین‌لوتر»^۱ از دانشگاه «میشیگان»، کتاب «تاریخ‌الوزراء نجم‌الدین ابوالرجاء قمی» را ذیلی بر «نفثة‌المصدور» باید دانست؛ زیرا که صاحب تاریخ‌الوزراء اثر خود را به‌قربینه «نفثة‌المصدور انوشیروان خالد» نگاشته، ذکر و شرح‌حال صاحب‌منصبان بلندپایه‌ای را که پس از آن بمقامی دست یافته‌اند؛ به‌اطلاع معاصرانش رسانیده است.

نظر «کنت‌لوتر» کلا و تماماً انطباق دارد با نوشته «سعدالدین وراوینی» صاحب کتاب ذیقیمت و ارزشمند «مرزبان‌نامه»، که بکوشش و اهتمام فاضل ارجمندگرامی آقای محمد روشن انتشار یافته است، و بی‌شبهه باید پذیرفت که صاحب کتاب «مرزبان‌نامه» در معرفی نویسندگان عصر خویش منجمله «ابوالرجاء قمی» سهمی به‌سزا داشته است.

«... و ذیل همین نفثة‌المصدور» که «نجم‌الدین ابوالرجاء قمی»، و از منقطع عهد ایشان تا اواخر عمر خویش هرچه از تقلب احوال اهل روزگار و افاضل و امثال وزرا و امرا و ملوک و صدور شنیده است و مشاهده کرده، به‌هریک اشارتی لطف‌آمیز کند، و از رذایل و فضایل ایشان بندی باز نماید، و آن را خود چه‌توان گفت که شرح خصایص آن ذیل را اگر مدبیل کنم به‌امتناد زمان پیوسته گردد. ذیلی به‌یواقیت نکت و درر امثال مالامال، ذیلی که اطراف آن به‌آب عذب عبارت شسته و، غبار تکلف و تسف پیرامنش نشسته، و دیگر طرایق مختلف و متباین که اکابر بلغا و فضلا را بود؛ و اگر از هر یکی علی‌حده نمونه‌جی باز نمایم به‌اطالت انجامد.» صفحه ۸ کتاب مرزبان‌نامه. آقای دانش‌پژوه که اهلیت تصحیح این اثر نفیس را دارد با اهتمامی بلیغ و رنج بی‌شمار از روی یک نسخه خطی با خط ناخوش و آبدیده آن را خوانده و به‌زیور طبع آراسته است و بمنظور بی‌عیب ساختن نوشته‌ها به‌دانشمند فرزانه آقای دکتر مهدوی دامغانی که در شناخت اشعار و امثال عربی تواناست زحمت‌ها داده‌است که تا حد ممکن از لغزش‌ها و اشتباهات بکاهد.

نویسنده «تاریخ‌الوزراء» شرح وزارت هفده تن از وزرای عهد سلجوقی را برشته تحریر کشیده است که در خلال گفتار به‌توصیف و نکوهش اصحاب مناصب دیگر می‌پردازد؛ اوضاع و احوال زمان را روشن می‌سازد؛ از آنانکه به‌منصبی رسیده‌اند سخن

می گوید و از حال و روزگار برکنار شدگان اشاراتی دارد. در باب همچشمیها و دسیسه بازی های دیوانیان، امراء، و صاحبمنصبان دربار و گاهی نیز از خود سلطان قلمفرسائی میکند؛ تا باشد که خواننده را با روحیه شخصیت های زمان آشنا کند. اگرچه اشاره ها معمولا صریح نیست، لیکن گاهی اطلاعات تازه ای را می نمایاند. اعضای دیوان بیش از همه مورد علاقه اویند؛ از فضل یا جهل آن ها، از مهارتشان در انشاء و محاسبه و از خلق و خویشان سخن می راند و عقاید و اندیشه های باطنی خود را در پس ابری از تمثیل ها و استعاره ها و ارسال المشاه و تشبیهات بیان می کند و اثر خود را به زیور اینگونه صنایع بدیعی می آراید و برای خواننده دلنشین و دلچسب می سازد. نثر روان و بی تکلف خود را در جایهای مناسب، با آوردن اشعار عربی و پارسی زینت میدهد و آنچنان پیش می رود که مضامین گفتار ویرا در افکار و گفتار شعرائی بزرگ چون، خیام، ناصر خسرو، سعدی، حافظ می توان یافت. نمونه هایی از نثر «تاریخ الوزراء» در ذیل آورده می شود تا خواننده تأثیر کلام آن را دریابد. وزارت دیربای «قوام الدین» را چنین ترسیم میکند: وزارت «قوام الدین» که دیرماند، چون شراب بود، که دیر در خم بماند، صافی شود، نه چون آب بود که دیر بماند بگنجد. صاحب عمل را باید که مروت باشد، چون مروتی نباشد، ثبات و انقراض عمل او یکسان باشد. استر چون تراید خواه نر خواه ماده.» صفحه ۲۴ تاریخ الوزراء.

و در استنتاج از پایان کار وزارت وی می نویسد:

«در چهارکس عاقبت بی محنت میسر نشود. در آسمان ستارگان را رجوع و هبوط است، در زمین خود کجا صورت بندد که سعادت بی شقاوت باشد. هر چشم که از بیم او نمی غنود، به حادثه او روشن گشت، و به سرمه بشارت مکنحل شد، سی چهل ساله عظمت، برابر یک ساعت مذلت، که آخر کار او بود، نباشد. از مردم حساب آن وقت باید کردن که در آن باشند، گذشته معتبر نیست، و حال آینده در غیب است؛ عاقل بود آنکس که وزارت قبول نکند. شربتی که به خصمان می داد خود نیز چشید.» صفحه ۲۵ همان کتاب.

در سپردن کارها بدست پیران محرب و کار آزموده چنین می آورد:

«چنانکه ادیم خیر از سهیل صلاح نپذیرد، کار دولت جز به اندیشه پیر جهان آزموده مستقیم نشود. باز و غراب به هم یکسان نباشد. پیری خنده روی است. از کمان تا دوتا نباشد، تیر نباید انداختن؛ آن را خود جهت تیر انداختن دوتا کنند، نه جهت شکستن. غراب باشد که پیری او ظاهر نشود، پیری چراغ شب عمر است. هلال را بدانکه دوتا باشد عیبی نباشد» صفحه ۴۸ همان کتاب.

در باب بی اعتباری دنیا و اهلاش بناوری می نشیند:

«جهان پنداری خود درمانده تر از ماست؛ باران گریه اوست، برق سوختگی دل، رعد ناله، هر شب از سوگواری جامه سیاه پوشد، مارا در جهان چون گریه نیست، خندیدن معنی ندارد. مرکب آخرین قطعا نعلش است، و لباس کفن، عزیزان در میگذرند و جهان بر حکم خویش است. چون شمشیر شکست، خاک بر سر غلاف باد. مردم تازنده

باشند، در این زمین عریض بسیط، به سبب آن قدر زمینی که بنشینند، با یکدیگر مضایقت می کنند، چون بمیرند مرده را در گور مرده دیگر می نهند، و مضایقه ای نیست. تهذیب اخلاق از مرده و زنده دور است، روزگار مردم را چون بریط به دست راست می زند، و به دست چپ نای باز می گیرد. بسیار خالد نام به فنا رفت و بسیار زید در نقصان افتاد. خاک زمین امانت داری خائن است، گوشت و استخوان بهوی می سپارند، به فنا می آورد. اگر کسی را از شخصی گرنندی رسد، دشمن آن شخص شود، و از دنیا به ما بیش از آن می رسد که در وهم آید، و آن را دوست می داریم. در جهان مردم در محنت اند؛ ماه اگر از محاق و خسوف خبر ندارد تهنیت باید کردن. «جهان پنداری از گرسنگی، فرزندان خویش را می خورد، و اثر سیری بروی پیدا نمی شود، با آنکه حلال زاده اند، ایشان را در زیر خاک پنهان می کند، حفاظ دوستان پس از وفات مرد، بیش از آن نمی بینیم که خاک بر سرش می کنند و دست می افشانند و می روند.» صفحه ۴۴ از همان کتاب. کتابی بدین زیبایی و شیوایی که جابجائی هر نقطه و پس و پیش شدن حرفی از آن به نفاستش لطمه می زند، از لغزش ها و اشتباهات چاپی برکنار مانده است و اغلاط گونه گونی در آن دیده می شود که متأسفانه غلط نامه هم ندارد.

باید پذیرفت چاپ و انتشار چنین اثری که نظر خواننده و رضایت ناشر و مصحح را توأمان فراهم آورد خالی از اشکال نیست و به یقین پیداست که دانش پژوه در پیراستن و ویراستن این کتاب چه خون جگرها خورده و چه ناسازگاریها تحمل کرده است.

انتشار کتاب «تاریخ الوزراء» نخستین گام است و جای آن دارد که در اكمال آن قدمهای مؤثر دیگری در چاپ های بعدی برداشته شود.

تنظیم لغت نامه و معنی کلمات مشکل، ترجمه نصوص قرآن و احادیث شریف، گشودن عقده های ابیات و اشعار عربی و پارسی، تشریح اصطلاحات دیوانی، از جمله کارهای مفیدی است که میتوان انجام داد.

آقای دانش پژوه با این همه حسن سلیقه ای که دارد بگمان بنده نخستین کس است که با دلسوزی تمام و به خاطر احیای زبان و ادبیات کهن پارسی، میتواند کار اتمام آن را وجهه همت خود سازد.

۲- در تنظیم این گفتار از مآخذ ذیل استفاده شده است.

الف- وزرای عصر سلجوقی تألیف آقای عباس اقبال آشتیانی.

ب- مرزبان نامه باهتنام محمد روشن.

ج- تاریخ الوزراء بکوشش محمدتقی دانش پژوه.